

بررسی تطبیقی اجتماع و بازتاب آن بر اندیشه سیاسی سعدی یوسف و ابوالقاسم لاهوتی

یحیی معروف*

تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۱۱

فرشته جمشیدی**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۵/۱۳

چکیده

بررسی تطبیقی اجتماع و بازتاب آن بر اندیشه سیاسی سعدی یوسف و ابوالقاسم لاهوتی از منظر سیاسی و اجتماعی مستلزم شناخت شرایط خاص جامعه‌ای است که این دو شاعر در آن زندگی کرده‌اند. از آنجا که در دوره مشروطه مفهوم آزادی، رنگ سیاسی به خود گرفته است، این مفهوم در شعر لاهوتی به صورت شورش علیه ظلم و حمایت از قشر کارگر و رنجبران، و در شعر سعدی یوسف به صورت مبارزه علیه وعده‌های پوچ و دروغین جلوه می‌کند. سعدی یوسف و ابوالقاسم لاهوتی برای بیان اوضاع اجتماعی تأثیرگذار در شعر خود از فنون ادبی گوناگونی چون نماد، طنز و تناقض، اقتباس و تضمین استفاده کرده‌اند، به عنوان مثال برای اشاره به وجود دشمنان و استعمارگران از نمادهایی چون سیاهی، رنگ سرخ، شهر و روستا، نخل و رود و... بهره گرفته‌اند با این تفاوت که در شعر لاهوتی بکارگیری نماد ملموس‌تر است. این دو شاعر همچنین با استفاده از دیگر فنون مذکور توانسته‌اند به خوبی بر اوضاع سیاسی و اجتماعی مردم سرزمین خود تأثیرگذار باشند و به مبارزه علیه ظلم، استثمار، امپریالیسم، غربزدگی و هجوم فرهنگ بیگانه غربی بپردازند.

کلیدواژگان: سیاست، اجتماع، فنون ادبی، لاهوتی، سعدی یوسف.

y.marof@yahoo.com

fereshtehjamshidi1992@gmail.com

* استاد تمام گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه رازی کرمانشاه.

** کارشناس ارشد زبان و ادبیات عرب دانشگاه رازی کرمانشاه.

نویسنده مسئول: یحیی معروف

مقدمه

در ادبیات جهان اقلیمی وجود ندارد که مردمش در مقابل ظلم و بیدادگری سکوت کرده باشند و به مبارزه با ستمگران پرداخته باشند. سرزمین ایران و عرب هم از این قاعده مستثنی نیست، و همواره در این سرزمین‌ها، شاعران مبارزی بوده‌اند که با درک ظلم در این عرصه پا نهاده‌اند و با سلاح شعر به صورت سمبولیک و آشکارا در مقابل بیدادگری ایستاده‌اند.

از میان شاعران مبارزی که در برابر بیداد زمانه ایستادند و ظالمان را هجو کردند و عواقب جبران ناپذیر آن را متحمل شدند، می‌توان به سعدی یوسف شاعر عراقی و ابوالقاسم لاهوتی شاعر ایرانی اشاره کرد.

ابوالقاسم لاهوتی و سعدی یوسف شاعرانی هستند که فضای متشنج سیاسی در تار و پود شعرشان ریشه دوانده است و بازتاب‌های غرب‌گرایی در شعرشان دیده می‌شود. دیدگاهی وجود دارد که هر دو شاعر را شاعرانی منزوی در برابر اوضاع مملکت می‌داند، که در مبحث اعتزال، به تفصیل به آن پرداخته شده است. آنچه باعث شد که این دو شاعر مبارز با هم مقایسه گردد ذکر شباهت‌ها و تفاوت‌هایی است که در اندیشه دو شاعر وجود دارد. شاعران طبیعت‌گرا برای به تصویر کشیدن شرایط زمانشان از طبیعت کمک گرفته‌اند که تا کنون به صورت تطبیقی، پژوهشی پیرامون بازتاب مسائل سیاسی و غرب‌گرایی در اندیشه دو شاعر انجام نگرفته است. در این مقاله تلاش شده با تلفیقی از شیوه‌های کمی و کیفی به تحلیل و بررسی عوامل اجتماعی و سیاسی تأثیرگذار بر مضامین شعری ابوالقاسم لاهوتی و سعدی یوسف پرداخته شود.

پیشینه پژوهش

درباره شعر سعدی یوسف مقالات متعددی به صورت مجزا و تطبیقی نوشته شده است از جمله می‌توان به پایان‌نامه می‌فرهانی (۱۳۹۰) تحت عنوان «بررسی زندگی و مضامین اشعار سعدی یوسف»، مقاله «اغتراب در شعر سعدی یوسف» (۱۳۹۲) ریحانه ملازاده در شماره ۳۶ مجله الجمعية الايرانية للغة العربية وادابها اشاره کرد؛ و «پژوهش‌های تطبیقی در قالب متناقض‌نما در شعر معاصر عربی بر اساس شعر محمود

درویش، امل دنقل و سعدی یوسف» (۱۳۸۹) روح الله صیادی نژاد در شماره هشتم مجله زبان و ادبیات عرب، و مقاله «رنگ میان رمانتیک و واقع گرایی در شعر سهراب سپهری و سعدی یوسف» (۱۳۹۱) علی سلیمی و رضا کیانی در شماره ۲۳ مجله الجمعية الإيرانية للغة العربية درباره لاهوتی نیز پژوهش‌هایی انجام شده است. مانند پایان‌نامه «جلوه‌های ملی‌گرایی در آثار شاعران برجسته عصر مشروطه» (۱۳۸۹) محمدحسین یاری فیروزآبادی بررسی کرده است و مقاله «بررسی مضامین مشترک سیاسی و اجتماعی در اشعار لاهوتی و فرخی یزدی» (۱۳۹۳) احسان فاضلی و صفا تسلیمی در اولین کنفرانس ملی تحقیق و توسعه هزاره سوم، مقاله «مقام زن در شعر ابوالقاسم لاهوتی، ایرج میرزا و عارف قزوینی» (۱۳۹۱) سعید حاتمی و پروانه صفایی قهفرح در شماره دوازدهم از فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ. اما تا کنون پژوهشی با این عنوان انجام نشده و اغلب به صورت کلی به بعضی از این مفاهیم اشاره شده است.

هدف اصلی در این جستار پاسخ به پرسش زیر است:

- فضای متشنج و غبارآلود سیاسی، پژواک غربزدگی، جنگ و اوضاع ناآرام مملکت، دوری از وطن و دعوت به مبارزه و مقاومت در برابر استبداد چگونه در اشعار این دو شاعر منعکس شده است؟

گذری بر زندگینامه ابوالقاسم لاهوتی و محمد سعدی یوسف

خطه گُرد، وام‌دار ادیبان قهراری در میدان فصاحت و بلاغت است که موجب شد این خطه قرن‌ها در طول تاریخ بدرخشد. از جمله این ادیبان که از پیشگامان عرصه شعر نو، پیش از نیما بوده است، ابوالقاسم الهامی متخلص به لاهوتی یا لاهوتی خان شاعر، روزنامه نگار، نظامی و مترجم، متولد سال ۱۳۰۵ خورشیدی در کرمانشاه است. لاهوتی تحصیلات ابتدایی خود را در زادگاهش به پایان رساند. وی خیلی زود وارد میدان سیاست شد. او شاعری چپ‌گرا بود و در واقع شعر سلاحش بود. لاهوتی در دوره رضاخان تحت تعقیب حکومت فاسد آن روز قرار گرفت. وی در استان کرمانشاه روزنامه بیستون را منتشر کرد و در سال ۱۹۱۷ فرقه کارگر را در کرمانشاه تأسیس کرد. نخستین اشعارش در روزنامه حبل‌المتین به چاپ رسید (حسینی و حیدری، ۱۳۹۳:

۶۰-۵۹). لاهوتی از جمله شاعرانی بود که شعر را از محیط دربار به کوچه و بازار آورد. مضامین اشعارش سیاسی، اجتماعی و وطنی است. شعر او را باید سلاحی برای تحقق آرمان‌های طبقه کارگر دانست. سرانجام فعالیت‌های سیاسی‌اش موجب صدور حکم اعدام او گردید. پس از صدور این حکم لاهوتی به شوروی گریخت و تا پایان عمر در غربت زندگی کرد و هیچ گاه به وطن بازنگشت و سرانجام در مسکو درگذشت و در گورستان نووودیچی به خاک سپرده شد. از جمله هم‌اندیشان لاهوتی در خطه عرب سعدی یوسف است.

محمد سعدی یوسف در سال ۱۹۳۴ در بصره به دنیا آمد و از نزدیکان بدر شاکر سیاب که از برجسته‌ترین شاعران عرب در عصر حاضر به شمار می‌رود، می‌باشد. وی شاعر نوگرای عراقی‌ای است که در اکثر قالب‌های شعری هنرنمایی کرده است. او شاعری چپ‌گرا و سیاستمداری قهار است که از پانزده سالگی وارد میدان سیاست شد. او را در زمره شاعران طبیعت‌گرا به شمار آورده‌اند که از طبیعت برای وصف اوضاع و احوال خودش کمک می‌گیرد.

وی شاعری با احساسات رمانتیک است. برخی از نقادان معتقدند که وی متعلق به نسل گمشده است. سعدی یوسف از شاعران سیاسی است و این ویژگی او باعث نمی‌شود که از دیانت دور بماند. سرانجام فعالیت‌های سیاسی‌اش منجر به صدور حکم اعدامش شد که به طور معجزه‌آسایی از آن نجات پیدا کرد (دانشنامه آزاد، سبک زندگی سعدی یوسف) وی در حال حاضر در لندن زندگی می‌کند و به ترجمه شعرهای انگلیسی به عربی مشغول است (الصمادی، ۲۰۰۱: ۱۹).

آزادی در شعر لاهوتی و سعدی یوسف

مضمون برجسته اجتماعی شعر عصر مشروطه، آزادی است. سخن از آزادی، در مفهوم غربی آن با حضور مقدمات مشروطیت آغاز می‌شود. پیش از آن آزادی، مفهوم خاص خود را داشت به عنوان مثال در شعر مسعود سعد سلمان رهایی از زندان است و در شعر مولوی رهایی از زندان نفس است آزادی به معنای اخیرش در دوره معاصر به هیچ وجه وجود نداشت (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۳۵) و در شعر لاهوتی به معنای

تمایلات ضد مذهبی و گرایشات مارکسیستی است و صبغه سیاسی به خود می‌گیرد (حسینی و حیدری، ۱۳۹۳: ۸۰-۵۸).

این مفهوم در شعر لاهوتی چیزی فراتر از خود آزادی است. گاه شاعر در توصیف آن، چنان پیش می‌رود که حتی حاضر است جان خود را فدای وطن کند. او در قطعه «عید به کوچه ما خواهد آمد» چنین از آزادی فریاد برآورده است:

تیغ باید خون فشاند، کار دشمن برآید من مرم، نامم بماند، او مرد، کامم برآید
زندگانی نیست دشمن را به ملک خویش دیدن باید از تن جان من یا از وطن دشمن برآید
کاری باید نه زاری، رنج می‌باید نه شکایت شاهد اقبال چون پادشاه مردی در برآید
(لاهوتی، ۱۹۴۳: ۵۸)

در این قطعه شاعر معتقد است که اگر ملتی همه چیز داشته باشد ولی آزادی را نداشته باشد، مردمانش به معنای واقعی زندگی نخواهند کرد. از این رو کسانی که برای رسیدن به آن می‌جنگند و جان خود را فدا می‌کنند و شهید می‌شوند از دیدگاه لاهوتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و ایجاد سلطنت و عظمت قصرها را مرهون به خون دادن خلق، و آه شهیدان و خاک مزدوران و اشک یتیمان می‌داند. (مشیری، ۱۳۵۷: ۱۶).

در مقابل، مفهوم آزادی در شعر سعدی یوسف، در واقع ترسیم چهره بیدادگر زمانه است و رابطه تنگاتنگی با سیاست دارد و شعرش به منزله واقعیت‌های سیاسی دردناک ملت عراق است که مردمش این ظلم‌ها را چشیده‌اند. دعوت به مبارزه در شعر این شاعر به اشکال گوناگون بیان شده است؛ گاه فردوس وعده داده شده است و گاه آمال و آرزوهای رنگانگ معرفی شده است، که در ورای جنگیدن مبارزان و جاری شدن خون شهدا به دست می‌آید (الصمادی، ۲۰۰۱):

«یا ایها الطفل الالهی! لقد علّمتنا کیف یجیء الشهداء/ لقد علّمتنا کیف یجیء
الشهداء/ بغتة... لقد علّمتنا کیف یجیء الشهداء/ بغتة! لکننا، کیف نکون الشهداء/ بغتة/
لکننا، کیف نکون الشهداء/ بغتة... لکننا، کیف نکون الشهداء/ بغتة... ونمضی فی قرار
البحر!؟ أطلقنا العصافیر ونمضی فی قرار البحر!؟ أطلقنا العصافیر وطلّقنا صغیر القنبلة/ آه،
یا رایاتنا المنخذلة!» (یوسف، ۲۰۰۸: ۴۳/۲)

- ای فرزند خداوندی/ به ما آموختی که شهدا چگونه می‌آیند/ ناگهان.../ تو به

ما آموختی که شهدا چگونه ناگهان می‌آیند/ اما ما چگونه شهید خواهیم شد
ناگهان.../ اما ما چگونه شهید خواهیم شد ناگهان.../ اما ما چگونه شهید
خواهیم شد ناگهان... و به عمق دریا می‌رویم/ گنجشک‌ها را رها کردیم تا به
عمق دریا برویم/ گنجشک‌ها را آزاد کردیم و صغیر بمب را رها کردیم/ آه ای
پرچم‌های خوار شده ما

سعدی یوسف در این شعر از استعاره مکنیه برای تعبیر بهتر اندوه درونش کمک
می‌گیرد، و نوعی تشخیص در اثنای جمله به چشم می‌خورد که بیانگر دعوت به آزادی
کلی و فراگیر است، که عاقل و غیر عاقل را مورد خطاب قرار می‌دهد. پژوهش‌های
انجام گرفته بیانگر این واقعیت است که *ابو/قاسم لاهوتی* در این زمینه فراتر از سعدی
یوسف کار کرده است.

بازتاب این دیدگاه نوین، در شعر لاهوتی نمایان است و نکته جالب توجه در دیدگاه
وی این است که بر جنبه‌های اقتصادی و اشتغال زنان تأکید دارد، که این رویکرد
برخاسته از گرایش سوسیالیستی است (حاتمی و صفایی: ۸۰-۶۵) که خواهان شرکت
زنان در فعالیت‌های سیاسی می‌باشد و آن‌ها را همچون زنان غرب به همراهی با مردان و
پرهیز از بیکاری و خانه نشینی دعوت می‌کند:

بگذار که دختران آزاد
شرکت بکنند در حکومت
(لاهوتی، ۱۳۵۸: ۶۰۶)

لاهوتی زنان فعال و زحمت‌کش، به ویژه زنان کارگر را، به دیده‌ی تحسین می‌نگرد و
آنها را از زنان طبقه‌ی مرفه که از نظر او طبقه‌ی استثمارگر هستند برتر می‌داند.
درو گوهرزینت زن‌های استعمارچی است
گرد زحمت نمازه روی نگار ما بود
(لاهوتی، ۱۳۵۸: ۸۴)

استبدادستیزی در شعر لاهوتی و سعدی یوسف

لاهوتی در اشعار خود علاوه بر گرایش سیاسی- اجتماعی عقایدش، در راستای مبارزه
با استبداد و ظلم حاکم بر جامعه، آرمان‌های دینی یک مسلمان را به تبعیت از آیاتی
چون: ﴿وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنفُسَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا﴾ (نساء/ ۱۰۷) و ﴿إِنَّ اللَّهَ
لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَهُ حَتَّىٰ يَغْيِرَ مَا بَانَ لَهُمْ﴾ (رعد/ ۱۱) بیان کرده است، چراکه این شاعر در اشعار

خود از کسانی که در راه وطن جان خود را فدا کرده‌اند، تجلیل می‌کند و کسانی را که از این وضع کناره‌گیری کرده‌اند به باد انتقاد گرفته و معتقد است که آنان همان عوامل فساد دستگاه‌های دولتی هستند.

به طور کلی می‌توان استبدادستیزی لاهوتی را به دو دسته تقسیم کرد:

الف) انتقاد از اوضاع اجتماعی (ادبیات کارگری)

ب) انتقاد از اوضاع سیاسی

شعر دوران مشروطه همواره در تقابل آزادی و بندگی بوده است. قاعده‌مندی جامعه و مناسبات آن با قانون و تلاش خستگی‌ناپذیر در راه دستیابی بدان اهم وجوه شعری لاهوتی است (آژند، ۱۳۸۴: ۸۶). از دیدگاه این شاعر خستگی‌ناپذیر، آزادی مرهون تلاش و پیکارهای مکرر است و رمز نگهداری وطن اتحاد و یکپارچگی مردم است. چون مخاطبین ادبیات این دوره از طبقات ساده هستند، زبان آن ساده و شدیداً رئالیستی است. همچنین به این دلیل که ویرانگر ادبیات کهنه است، واقع‌گرا-جامع‌گرا- و ساده می‌باشد. وی در مواردی نه چندان اندک در هیأت شاعری مداح، از گونه مارکسیستی آن جلوه گر می‌شود و کلامش از حیث جنبه‌های هنری کم‌رمق و در مجموع بی‌اعتبار می‌شود. هرچند که پرشورترین شعارها را به کار می‌گیرد (صورتی نیا، ۱۳۷۵: ۸۶) اما در کل لاهوتی از تمام طبقات جامعه به جز کارگران انتقاد می‌کند و از آن‌ها می‌خواهد علیه ظلم به پا خیزند و از کیان خود دفاع کنند. علاوه بر این به ستایش طبقه کارگر و عمله می‌پردازد، و مدعی است، که تمام آسایش جامعه مرهون این طبقه رنج کشیده است که توسط دولت موجب بی‌مهری قرار گرفته‌اند، و مزایایی برای آن‌ها در نظر گرفته نشده:

آبادی ملک عالم از رنجبر است آسایش نوع آدم از رنجبر است
آن علم که عالمان به آن فخر کنند بر مردم دیگر، آن هم از رنجبر است

(همان: ۲۰۷)

ابوالقاسم لاهوتی از اعمال، وکلا و وزرا خرسند نیست و آنان را خائن می‌داند که حق

مردم را پایمال می‌کنند:

وکیل از خدمت مردم تغافل می‌کند عمداً و یا باشد وزیر از مملکت بیزار یا هر دو؟

(لاهوری، ۱۳۵۷: ۱۰۲)

استبدادستیزی در شعر سعدی یوسف، شامل بد رفتاری‌های سربازان با هم‌وطنانش است و وعده‌های پوچ و دروغین این ابرقدرت درباره آینده درخشان کشورش را با زبان سمبولیک به باد انتقاد می‌گیرد:

«سوف یذهب هذا العراق إلى آخر المقبرة/ سوف یدفنُ ابناءه في البطائح، جیلا فجیلا
ویمنح جلاده المغفرة/ ولن یعود العراق/ ولن تصدح القبرة» (یوسف، ۱۹۷۶: ۲۳۱-۲۲)

- به زودی این عراق به سوی آخرین مقبره می‌رود/ به زودی فرزندانش در سرزمین‌هایش دفن می‌کند. نسلی در پی نسلی و جلادش، شکنجه‌گوش را می‌بخشد/ و عراق هرگز، عراق سابق نمی‌شود و هرگز صدایی از قبر بلند نمی‌شود

این همان آینده‌نگری منفی و دیدگاه بد بینانه در شعر سعدی یوسف است که به نظر می‌رسد، شاعر ناامید شده و در قصیده‌ی «غاز سام» به طور مستقیم، از حکام مستبد جامعه‌ی آن روز عراق انتقاد می‌کند:

«لم یعد القتلُ المحضُ/ لیبهج طاغیة.../ لن یمتعه مرأی المخنوق بسلك الهاتف/
والمیت نزفاً أسفل مکتبه/ والمقتول بقنبلة فی غرفة حمام/ والمتییس من جرعة شای/
والذائب فی حوض الکبریتیک/ وذاک الطافی وسط بحیرة اسماک/ وإلخ.../ الطاغیة/ اللیلة/
مبتهج/ بالسر/ سیضغظ هذا الزر...» (یوسف، ۲۰۰۸: ج ۴/۲۵۷-۲۵۶)

- دیگر کشتن تنها، حاکم طاغوت را شادمان نمی‌کند. زیرا دیدن انسانی که با سیم تلفن خفه شده است دیگر برای او لذتبخش نبود و یا مرده‌ای که زیر میز تحریرش در حال خونریزی است و او را با بمبی که در اتاقش منفجر کرده‌اند. در حالی که (لبان) خشکیده از جرعه‌ای چای در حوض گوگرد ذوب کردند و در حوض کوسه‌ها در دریاچه غرق کردند... حاکم طاغوت امشب شادمان است با فشار دادن یک دکمه...

این ابیات اشاره به عنصر فنی دارد مخصوصاً کلمه "إلخ" که مخصوص نثر است، و نقاطی از درون شعر که شاعر تکرار می‌کند تصویری از خطابه سیاسی است، و بیانگر تأسف و مکث طولانی شاعر است و در قصیده «التنفیذ» سعدی یوسف چهره رعب‌انگیز کودک فلسطینی را ترسیم می‌کند که در کنار سنگ شکنجه‌گر است:

«تستقیم المشنقة/ ابدأ فی آخر الحجره .../ ابدأ فی آخر الحجره .../ یدخل الحجره
عشرون نبیا/ یحملون الورق الجاهز، والقهوة والاحکام/ عشرون نبیا احدقوا بالمشنقة وضعا
الطفل الفلستانی فی دائرة الضوء علی کوفیه الطفل الفلستانی/ احداق الذين استمتعوا/
بالدم الشاهد..» (یوسف، ۲۰۰۸: ج ۱۴/۲-۱۲)

- چوبه دار برای همیشه برپا می‌شود/ در انتهای اتاق - در انتهای اتاق/ و بیست
نفر مأمور وارد می‌شوند/ ورق‌های آماده را حمل می‌کنند، و قهوه و حکم/
بیست نفر چوبه دار را احاطه کردند در اتاق شکنجه که نورانی است بر سر
چفیه کودک/ با حدقه‌هایی که از دین صحنه خون بهره‌مند می‌شوند

استثمار در شعر لاهوتی و سعدی یوسف

سعدی یوسف و لاهوتی با تمام توان خود کیان جوامعشان را به مبارزه فرا می‌خوانند،
اما بیان آتشین سعدی یوسف حوادث روزگار خود را همانند لوحی واقع‌گرا به تصویر
می‌کشد، چراکه هنر این شاعر در خلق تشبیهات و تصویرسازی است. هر دو شاعر از
استثمار و تبعات آن بیزار بودند به طوری که می‌توان از اعتقاد سعدی یوسف نسبت به
استثمار اینچنین یاد کرد: وی معتقد است که کشورهای غربی به بهانه انباشت
سرمایه‌هایشان حق آنان را پایمال کرده‌اند. وی به شدت مخالف امپریالیسم است. او
نسبت به مسائل پیرامونش آگاه بود و سعی می‌کرد جایگاهی را برای به کرسی نشاندن
تفکراتش اتخاذ کند و شعر همان جایگاه اوست که غیرت و انسانیت آدمیان را
برمی‌انگیزاند و به سوی مبارزه سوق می‌دهد، و در مقابل *ابوالقاسم لاهوتی* و سرمایه‌داران
به جای اینکه از خرمن دارایی‌های باد آورده‌شان که با کوشش و پای‌مردی مردم بی‌سر
و سامان کشورش فراهم آمده بود، خوشه‌ای به تهیدستان و تنگ‌مایگان روا دارند، روز
افزون و بی‌پروا، به چاپیدن ته‌مانده دارایی آن‌ها چشم داشتند (بشیری، ۱۳۵۸: ۵۶). وی
اشعاری حول محور استثمار دارد. در ابیات زیر چهره استثمار را چنین به تصویر
می‌کشد:

دیده‌ای گردباد را که چه سان
کاروان گر چه دچار آن گردد
گله را از زمین برد به هوا
بر نگردد سوی وطن ز آنجا

چنگ او گر به سنگ بند شود
از زمینش کند چو کاه جدا
گذر او فتد به هر خانه
نگذارد اثر از آن بر جا
(لاهوتی: ۲۶۹)

اعتزال در شعر لاهوتی و سعدی یوسف

انزوا در شعر لاهوتی نیز کماکان دیده می‌شود ولی نمی‌توان بر این نظر صحه گذاشت که هر دو شاعر، شاعرانی منزوی بودند. زیرا همچنان که در فرضیه این نظر به آن اشاره شد طبیعی است وقتی انسانی در شرایطی قرار بگیرد که بر خلاف عادت و علایقش باشد این حس ناخودآگاه به وجود می‌آید. ولی نمی‌توان با اطمینان نظر داد که هر دو شاعر در این شرایط منزوی شده‌اند و سکوت کردند. چراکه در اشعارشان مدام به مبارزه و برخاستن اشاره می‌کنند اما اشعاری هم دارند که سرخوردگی و دلزدگی‌شان را از اوضاع جامعه نشان می‌دهد:

فلک به جرم درستی دل مرا بشکست
مگر شکستن دل بوده مزد مرد درست؟
نمود نام و نشانش ز لوح هستی گم
فلک به هر جا مرد درستکاری جست
(لاهوتی: ۱۱)

اعتزال در شعر سعدی یوسف هم دیده می‌شود و این بیانگر ناامیدی شاعر نسبت به سامان یافتن اوضاع جامعه است. شعر زیر که در وزن آزاد سروده شده است بیانگر عزلت و گوشه نشینی شاعر است:

«يجلس في الغرفة/ محتمياً من مطر اللي/ ومن تبعات صداقاتِ فاترةٍ/ محتمياً من شارع المتلاشي في الظلمة/ محتمياً ممّا يألُفةُ/ مرتمياً في منجرَفِ السيل/ والغرفةُ زرقاءُ/ خزانُها زرقاءُ/ شراشفُها زرقاءُ/ وسائدها زرقاءُ/ لكنّ المرأةَ بها ما عادت زرقاءُ.../ وفي الغرفة يجلسُ» (یوسف، ۲۰۰۸: ۳۶۵/۲)

- در اتاق می‌نشیند/ در حالی که احتمال باران می‌دهد/ و از تبعات دوستی‌های گرم/ حمایتگر است از خیابان‌های متلاشی شده در تاریکی حمایتگر از آنچه که با آن الفت می‌گیرد/ پرتاب شده در سیلاب/ اتاق آبی است/ کمدش آبی/ ملحفه‌هایش آبی/ بالش‌هایش آبی حتی آینه‌اش هم آبی

است/ و در اتاق می‌نشیند

رنگ‌ها در شعر لاهوتی و سعدی یوسف

عنصر رنگ از عناصری است که با استفاده از آن، می‌توان بسیاری از سلیقه‌ها، باورها، آرزوها و خواسته‌های آدمیان را شناخت. رنگ در علم روان‌شناسی جایگاه والایی دارد چراکه می‌توان با بکارگیری و تحلیل آن به ویژگی‌های شخصیتی افراد پی‌برد. انسان معمولی به رنگ‌ها عادی و ساده می‌نگرد اما شاعر به رنگ‌هایی نگاه می‌کند که در ظاهر وجود ندارد بلکه تلاش می‌کند در اعماق آن‌ها غرق شود (هگل، ۱۹۷۸: ۳۰۷). رنگ در اندیشه ابوالقاسم لاهوتی برای بیان حالات درونی به کار گرفته می‌شود. مثلاً رنگ سرخ رمز انقلاب اکتبر و اتحاد شوروی است و در شعر سعدی یوسف رنگ از عناصر مهم در تصویرسازی هنری است و عنصری بااهمیت در ساختار شعری است.

اما سعدی یوسف رنگ را به عنوان نمادی برای پیکارهای سیاسی و اجتماعی که با دیدگاهی همراه با بدبینی و متأثر از مکتب واقع‌گرایی به آن می‌نگرد، استعمال نموده است. رنگ سیاه در شعر سعدی یوسف نماد ظلم رجال سیاسی است. در حالی که رنگ قرمز به معنای حقیقی رمز خون است و در قصیده «التمرد»، به جو سیاسی‌ای که در عراق حاکم است اشاره می‌کند، و دشمنانی را که همانند خوک و کوسه‌هایی به وطنش حمله‌ور شده‌اند به وضوح به تصویر می‌کشد. این مفهوم در شعر زیر ترسیم شده است:

«طائرة كالحنيزير الوحشي / وكالكوسج / تحرق فوق الماء / عبد الحسن مبارك يصرخ:
ك.و.س.ج / ك.و.س.ج... الماء الأحمر يحمر ويحمر» (یوسف، ۲۰۰۸: ۱۳۲/۲)

- هواپیمای دشمن مانند خوک وحشی و کوسه روی آب را به آتش می‌کشد. و عبد الحسن مبارک فریاد می‌زند کوسه کوسه و آب قرمز و قرمزتر می‌شود در اینجا شاعر به حادثه دردناک قتل انسان بی‌گناهی که دشمنان مسلح، ناجوانمردانه به او حمله می‌کنند، اشاره می‌کند، و دریای خون همان فضای ناعادلانه سیاسی و زندان‌های آن‌هاست. رنگ سبز نماد طبیعت و آرامش و همچنین عشق است و تأثیر مهمی در شعر سعدی یوسف دارد و سطح کلام او را به سمت رمز و مجاز سوق می‌دهد (سلیمی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۵). لذا شاعر در شاهد زیر با تعبیر از رنگ سبز سعی

در بیان منظور خود دارد:

«وتبدو فی ضباب النهر مثل سفائن خضراء/ لكنها تحلم أحلامک الخضراء» (یوسف، ۲۰۰۸: ۵۱۷/۱)

- به نظر می‌رسد که ابرهای تشکیل‌شده (مه) بر روی رودخانه همانند کشتی‌های سبز است. اما خواب‌های سبز تو را تداعی می‌کند

غرب‌گرایی در شعر لاهوتی و سعدی یوسف

فرهنگ بیگانه از عوامل تأثیرگذار در شعر سعدی یوسف بود. وی در تلاش بود که چیزی به متن اضافه کند که در تعبیر ملموس باشد لذا این فرهنگ اقتباس و تضمین را به شعرش وارد کرد (الصمادی، ۲۰۰۱: ۱۱۹) برای مثال:

«للنساء اللواتی یرحن ویغدون فی حجرۃ یتحدثن عن/ میکائیل انجلو/ للنساء اللواتی یتالعن أثوابهنّ ویلبسن- قبل المساء- الکتب/ للنساء اللواتی یداومن فی «التوکالون» (سعدی یوسف، ۱۹۷۲: ج ۱/ ۲۲۰)

- برای زن‌هایی که می‌روند و صبح می‌کنند در اتاق‌هایی از میکائیل انگلیسی سخن می‌گویند و زنانی که لباس‌هایشان را در می‌آورند و می‌پوشند قبل از شام/ و زنانی که در توکالون شراب می‌خورند

لاهوته نیز از جمله شاعرانی بود که رد پای تأثیرات بیگانه غربی در شعرش دیده می‌شد. زبان شعری لاهوتی عامه پسند و بسیار ساده است چراکه مخاطبانش مردم کوچه و بازار هستند. وی اصطلاحاتی را به شعر وارد کرد که تا آن موقع وجود نداشت. از جمله آن اصطلاحات می‌توان به سوسیالیسم، فاشیسم و کالخوز اشاره کرد که در شعر زیر آمده است:

در این دوران علم و عرفان	باشد همه جوان چو آنان
کز شرح ترقیات شورا	دارند همین هنر که تنها
گویند: فلان سر بنا شد	یا کلخوز تازه‌ای به پاشد
لیکن بنیان سوسیالیسم	در سایه مسلک لنینیسم

(لاهوته، ۱۳۵۸: ۶۲)

بازتاب این دیدگاه در شعر لاهوتی با تغییر نگرش او نسبت به زن همراه است و بی‌شک این رویکرد برخاسته از گرایش سوسیالیستی اوست، که با تأثیرپذیری از جریان‌های نو در شوروی به وجود آمده است و بیش‌تر بر جنبه‌های اقتصادی و اشتغال زنان تکیه دارد و خواهان شرکت زنان در فعالیت‌های سیاسی است. به همین دلیل زنان غرب را الگوی زنان ایران می‌داند:

زنان‌های غرب در سر کار حکومتند در دست مرد شرق تو چون برده‌ای هنوز
البته هم اسیری و هم برده‌ای از آنک ایمان به انقلاب نیآورده‌ای هنوز

(لاهوتی، ۱۳۵۸: ۸۹۳)

اگرچه تعلیم در دوره قاجار برای زنان فراگیر نبود، اما از همان مکتبخانه‌ها، تعلیمات خصوصی، معلمین خانوادگی و آموزش‌هایی که مردان به همسران و دختران خود می‌دادند زنان بزرگی در علوم مختلف مخصوصاً در عرصه شعر و ادب، پرورش یافتند (توانا، ۱۳۸۰: ۱۷۵). شاعر گسترش علم و ادب را از پیامدهای انقلاب اکتبر روسیه می‌داند و از دختران ایرانی می‌خواهد به تقلید از دختران ازبک چادر بنهند و کتاب بردارند.

ای دختر نامدار ایران از روی خود این نقاب بردار
چون دخترکان اوزبکستان چادر بنه و کتاب بردار

(لاهوتی، ۱۳۵۸: ۶۴۹)

اندکی پس از کشف حجاب (توسط رضاخان) شاعران متوجه انحراف از مسیر اهداف اصلی خود شدند. اگرچه پیش از آن اعتقاداتشان این بود که زدودن جهل و ترویج دانش با رفع حجاب تناسب دارد، اما به تدریج آن را انکار کردند و رشد و بالندگی زن را محصول تربیت او دانستند (کراچی، ۱۳۷۴: ۸۹). سعدی یوسف و لاهوتی هر دو تحت تأثیر غرب و عواملش بوده‌اند و رنگ و بوی آن در اشعار هر دو به وفور یافت می‌شود اما لاهوتی بهتر از سعدی یوسف به این مفهوم پرداخته است.

نماد در شعر لاهوتی و سعدی یوسف

نماد، یکی از آرایه‌های ادبی است و از خصوصیات نماد، ایجاد ابهام در ذهن مخاطب

است. عموماً در زندگی روزمره وقتی نتوانیم یک چیز را به صراحت بیان کنیم به نماد متصل می‌شویم، و شعر سعدی یوسف و لاهوتی هم از نماد بی‌بهره نیست. مثلاً سعدی یوسف، نخل را نماد مادر از دست رفته و رود را نماد پدر از دست داده خود می‌داند و شهر را نماد غربت و روستا را نماد وطن خود می‌داند. زندگی در غربت و نظام آپارتمانی و هتل‌ها و دوری از زندگی در دامان طبیعت و باغ‌ها باعث شد که او به گیاهان خانگی به جای طبیعت سرسبز اکتفا کند:

«دع لهذه النبتة الخضراء أن تهدياً/ في زاوية الغرفة.../ أن تحيا، كما شاءت(۲۵۵/۳) و
«لم يَكُنْ الجيرانيوم/ لقد أزهر بعدُ.../ والنبتُ المتدلي كاد يلامس أرض الغرفة»
(الصمادی، ۲۰۰۱: ۱)

- بگذار این گیاهان سبز آرام گیرد/ در گوشه اتاق/ که زنده بماند، همانطور که می‌خواهد

- هنوز گل جیرانیوم شکوفا نشده/ پس از آن شکوفا شده است/ گیاهان انگار زمین را لمس می‌کنند

در مقابل *ابوالقاسم لاهوتی* نیز از نمادها برای بیان واقعیت جامعه بهره گرفته است و در قالب مستزاد زیر به این نکته اشاره می‌کند:

«کشور فعله و دهقان نبود صید شما» (سپانلو، ۱۳۶۹: ۴۹۶)

ابوالقاسم لاهوتی از جمله شعرای اصلاح طلب است و در برخی از سروده‌هایش رنگ و بوی آن دیده می‌شود:

تا کی نار جنگ	سوزاند جهان
تا کی غرق خون	جسم کودکان
برخیز بهر صلح	ای نوع بشر
خلق هر کشور	اهل هر زبان

(همان: ۲۲۹)

غم غربت در شعر لاهوتی و سعدی یوسف

تبعید و دوری از وطن برای همه مردم از دیرباز منشأ ناراحتی و آزرده‌گی خاطر بوده

است و این ناراحتی و آزدگی خاطر در شعر شاعران نیز بخش اعظمی را به خود اختصاص داده است. همچنان که سعدی یوسف و لاهوتی طعم تلخ غربت را چشیدند و انعکاس این غربت و دوری از وطن در شعرشان موج می‌زند. در شعر لاهوتی وطن جایگاه والایی دارد که حاضر است جان خود را در راه آن فدا کند و وطن فروشان را عامل فروپاشی می‌داند و آن‌ها را به شدت هجو می‌کند و با لحنی خشن می‌گوید:

آن که بر ضد وطن کوبد در بیگانگان

ضرب سخت از چکش آهنگران خواهد گرفت

فرد این سان پادویی بهر فروش مملکت

سیلی از مردان، قفایی از زنان خواهد گرفت

(لاهوتی، ۱۳۵۸: ۱۲۳)

چنانکه از اشعار شاعر پیداست سال‌های دور از وطن را برای میهن خود (ایران) شعر گفته و مانند معشوقه دیرینه خود همواره آرزوی وصال آن را داشته است. یکی از آرزوهای لاهوتی بازگشت به میهن بوده چنانکه سعید نفیسی درباره شرح دیدارش می‌نویسد: «در سال ۱۳۱۴ ش لاهوتی شنید که من به روسیه رفتم تقاضا کرد که به طور خصوصی با یکدیگر ملاقات کنیم او در این دیدار آرزو کرد بار دیگر به ایران بیاید و در همانجا بمیرد» (صدری نیا، ۱۳۵۷: ۲۱۰).

در مقابل سعدی یوسف نیز از این نوع ادبی بی‌بهره نبوده و همواره اشعاری با این مضامین در دیوانش آورده است. شاعر عرب برای نشان دادن شدت اندوه خود به شیوه پراکنده از ساختن واژگان تکراری بر روی کاغذ بسیار بهره جسته است (الصمادی، ۲۰۰۱: ۱۹) و در شعرش از تنش‌های درون خود و دور افتادگی از وطنش با واژه بعیداً و علامت «...» پرده بر می‌دارد.

«مطر / فی الشارع / یبلل قلبی المطر / وفی الشارع / تمر فتاة وحيدة وأمضى بعیداً... /

بعیداً... / بعیداً» (یوسف، ۱۹۹۵: ۵۷۳)

- باران در خیابان قلبم را خیس می‌کند. و در خیابان دختری تنها عبور

می‌کند و رفت و دور شد و دورتر و دور دور...

که اینجا منظور از دختر جوان که عبور کرده و دور شده وطنش عراق بوده است که

سعدی یوسف از آن تبعید شده است.

نوگرایی در شعر لاهوتی و سعدی یوسف

پدیده نوگرایی در اشعار سعدی یوسف و لاهوتی وجود داشته است. مثلاً در شعر لاهوتی به صورت قالب‌های آزاد و غیر عروضی خودنمایی می‌کند. در حقیقت او را باید نخستین کسی دانست که پیش از نیما با قالب‌های شکسته و غیر عروضی اشعارش را سروده است. شعرهای لاهوتی از دو جهت دارای اهمیت است:

(۱) کوشش در ایجاد قالب‌ها و طرح‌های تازه در شعر فارسی

(۲) بیان اندیشه‌های انقلابی و سیاسی‌ای که از محیط تازه زندگی شاعر رنگ گرفته

است (شفیعی کدکنی، ۱۳۴۴: ۴۲۷)

شعر او دارای نوعی حالت رئالیستی و البته خشن است ولی با این همه به رمانتیک انقلابی دوران خود که همان شکستن قالب‌های عروضی و کلاسیک و رهایی از قید قافیه است نزدیک‌تر است. شعر «وفای به عهد» از نمونه‌های آن است:

اردوی ستم خسته و عاجز شد و برگشت نه با میل خود از حمله احرار
(لاهوتی، ۱۹۹۰: ۶۹۸)

همچنین نمونه دیگر شعری است که به تقلید از قطعه «یاد آر ز شمع مرده یاد آر» دهخدا در سال ۱۳۰۸ ش سروده شده است، در این قطعه جلوه‌ای از رمانتیسم انقلابی و امید به افق روشن را نشان می‌دهد که لاهوتی به آن امیدوار است.

در مقابل، سعدی یوسف همچنان که در مقدمه ذکر شد از پیشگامان آفرینش آهنگ سفید در شعر معاصر عربی است که رهایی از قافیه را به چند صورت در شعرهای خود ذکر می‌کند:

الف) نخست به صورت پراکندگی واژه‌ها؛ سعدی یوسف در بعضی از بیت‌ها نام کشور خود (عراق) را به صورت پراکنده (ع ر ا ق) می‌نویسد:

«این نراه / وکنا نحمل أنية السلوی / الکلمات التی لانفقهما وع. ر. ا. ق ابن مبارک»

(یوسف، ۱۹۹۵: ۱۳۱)

- او را در کجا می‌بینیم؟/ در حالی که ما حامل جام صلح و آرامش حمل

می‌کردیم / جام آرامش همان دو واژه‌ای است که آن را درک نمی‌کنیم (اشاره به رنج و سختی‌هایی که شاعر و مردم سرزمینش همیشه متحمل بوده‌اند) و سرزمین عراق فرزند مبارک و میمنت است (کنایه از اینکه عراق همیشه بستر رنج و نامبارکی بوده است)

در اینجا شاعر با این شیوه ویرانی، استعمار شدن و رنج و دردهای همیشگی کشور خود را به نمایش گذاشته است، بدین شیوه که درون خوانندگان را به درد می‌آورد. (ب) دوم به صورت نگارش فعل امر «تعال» که به گونه‌ای حرکت موج‌دار را برجسته می‌کند (عثمان الصمادی، ۲۰۰۱: ۵۶) و مردم کشورش را به قیام عیله ظلم فرا می‌خواند: «اگو بین یدیک حماتین واطلق الدنيا/ وراءهما/ تعال / تعال ... یا زمن البنادق/ نحن نرجف فی العراء .../ تعال .../ یا زمن البنادق نحن نبکی طلقه حتى ولو صدت» (همان: ۱۷۲)

- میان دو دستت دو پرنده است؛ پس دنیا را رها کن / و به دنبال آن دو پرنده / بیا / بیا.. ای زمان تفنگ‌ها / چرا که ما در سرزمین بی آب و علفی که مانند بیابان است بر خود می‌لرزیم / بیا... / ای زمان تفنگ‌ها (اشاره به سرزمین عراق در زمان مبارزه و درگیری با دشمن)، ما برای یک گلوله زنگ زده هم گریه می‌کنیم

شاعر در این ابیات نو خود را همانند پرنده‌ای تصور می‌کند که در حال ترک کردن دنیاست و منظور از "زمن البنادق" در این ابیات همانند کشور عراق است که مورد تهاجم قرار گرفته است و این فعل امر «تعال» پژواک فریادهای شاعر است.

(ج) و سوم ابیاتی که نمایانگر سکوت اوست؛ در شعر بالا به نمونه‌ای تحت عنوان «...» اشاره شد که مصداق سکوت شاعر در برابر حوادث است. چون آهنگ، تنها از میان سکوت پیرامون آن شناخته می‌شود و سکوت به اندازه صدا در ساخت آهنگ نقش دارد (صابر عبید، ۲۰۰۱: ۴۶). پس سکوت، گونه‌ای از سخن است و صدا در کنار سکوت معنی پیدا می‌کند (صالح نافع، ۱۹۸۵: ۵۸) و این روش می‌تواند بیانگر درون مضطرب و پریشان شاعر باشد که به این صورت در اشعارش نمایانگر است.

پدیده نوگرایی در شعر هر دو شاعر وجود داشته است و هر دو از نوگرایان به شمار

می‌آیند که از قالب‌های غیر عروضی و آزاد جهت نشان دادن اوضاع ناآرام کشور خود استفاده کردند و با کمک آن بازتاب تنش‌های درونی خودشان را مانند تابلویی زیبا به تصویر می‌کشند.

طنز و تناقض

مفهوم طنز در شعر دو شاعر به معنی خاص آن خودنمایی می‌کند. طنز آن قالب بیانی است که در ذات خود تناقض دارد. طنز عبارت است از تصویر هنری اجتماع نقیضین و ضدین (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۱: ۴۳۳). در واقع طنز یک نوع ادبی است که در آن واحد هم می‌گریاند و هم می‌خنداند. بیش‌ترین اشعار انتقادی و طنز لاهوتی با زاهدان و مدعیان ریاکار است که با تظاهر از سادگی و پاکی به نفع خود سوء استفاده می‌کنند.

گفتم ای پیر به میخانه روی یا نیروی؟ گفت بالله به سر می‌روم اگر زر بدهند
گفتم از مدعیان، پیش تو کی محکوم است؟ گفت آنان که به من مبلغ کم‌تر بدهند
(لاهوئی، ۱۳۵۷: ۲۳۲)

وی غفلت و جهل و بی تحرکی مردم را عامل این فاجعه می‌داند.

ایا ایرانیان تا کی دچار غفلتید آخر؟ آیا ایرانیان تا چند اسیر ذلتید آخر؟
(همان: ۱۸۱)

در مقابل سعدی یوسف از طنز برای حمله به حکام و سلاطین عرب استفاده می‌کند. او قصیده «أیها الإخوة واشنگتن» را از باب تهگم و استهزاء متصف به عدل می‌کند و این در حالی است که واشنگتن در دیده این شاعر و دیگر شاعران عرب نماد مطلق ظلم و ستم است.

«قبل أن نتذكر واشنطن العادله/كانوا طيبين وساخرين/ لا يعرفون الرقص والمزمار/ الّا
فی جنازات الرفاق الراحلين» (یوسف، ۱۹۸۸: ۲۴۲/۲)

- پیش از آنکه واشنگتن عادل را یاد آوریم/ خوش دل و شوخ بودند/ رقص و

نی را نمی‌شناختند/ مگر بر نعش‌های دوستان سفر کرده

همانطور که پیش از این گفته آمد یکی از مهم‌ترین عوامل رستاخیری واژه‌ها، جایی

است که یک واژه به گونه‌ای به کار می‌رود که بر خلاف انتظار خواننده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۱: ۳۱-۲۳).

در شعر سعدی یوسف به پاره‌ای از آن اشاره می‌کنیم:

«فی بغداد أری ساحات تسلمنى / لأزقة لکنى لم أرفى بغداد أزقة / تسلم لى
الساحات»

- در بغداد میدان‌هایی می‌بینم که مرا به کوچه وامی‌گذارد / اما در بغداد
کوچه‌هایی ندیدم / که میدان‌ها را به من واگذارد

به هر حال اینگونه تناقضات در شعر سعدی یوسف به فراوانی یافت می‌شود. این
تناقضات نمایانگر آن است که بازتاب‌های حوادث گذشته در بوجود آمدن این گونه آرای
ضد و نقیض بی تأثیر نبوده است و علاوه بر این پاکان و پارسایان را به اجتماعی
فرامی‌خواند که سرپیچی از قانون و نادیده گرفتن هنجارهای اجتماعی در میان آنان
امری شایع و متداول است. در شعر زیر به نمونه‌ای از آن اشاره می‌شود:

«بدأت تخالف قانون السیر / تتملى كتبا بالمقلوب / وتقطر جرعة ماری جوانا فى كأس
الفودكا / وتمشط شعر امراءة بالإبرة / أو تدخل فى كهف فى تفتح عين التنین / مثلاً / أبدأت /
إذن / فلنحتفل الليلة / ولندع جميع القديسين» (یوسف، ۱۹۸۸: ۳/۳۴۴)

- شروع به سرپیچی از قانون راهنمایی و رانندگی کرد / نوشته‌ای را وارونه
دیکته می‌نماید / در حالی که به سرپیچی قطرات ماری جوانا در جام و ودکا
می‌چکاند / موی زنی را با سوزن شانه می‌زند / تا داخل در غار شود و چشم
ازدهاها را مثلاً باز کند / اینچنین آغاز نمودم / امشب جشن بگیریم / و تمامی
پاکان را فرا بخوانیم

سعدی یوسف بیش‌تر از لاهوتی تناقض را در شعرش پیاده کرده است و در آن
هنرنمایی کرده است.

نتیجه بحث

شباهت‌های لاهوتی و سعدی یوسف به شرح زیر است:

هر دو شاعر نوگرا هستند و فعالیت‌های آن‌ها در حیطة سیاست بوده، به طوری که در

تمام مضامین اشعارشان رد پای سیاست دیده می‌شود. هر دو شاعر در عنفوان جوانی (خیلی زود) وارد سیاست شدند و چه با سلاح برنده طنز و چه آشکارا چهره ظلم را شناختند و در برابر آن مقاومت کردند و زندان و فرار و تبعید باعث نشد که از رسالت خود دست بردارند و دعوت به مبارزه علیه استکبار از عناوین اصلی اشعارشان است. هر دو شاعر با استفاده از نمادها و سمبل‌ها به هجو عوامل استبداد پرداخته‌اند و کماکان غرب و فرهنگ غربی بر شعرهای آن‌ها و همین‌طور بر نوشته‌هایشان اثر گذاشت. هر دو شاعر واقع‌گرا هستند و جان باختن در راه وطن در اندیشه هر دو ارزشی والا دارد. در کنار شباهت‌ها باید به تفاوت‌های آن‌ها هم اشاره کرد. از جمله تفاوت‌های موجود در اشعار این دو شاعر عبارت‌اند از:

لاهوتهی شاعری صلح طلب است در حالی که سعدی یوسف به هیچ عنوان سرسازش ندارد. در اشعار سعدی یوسف تناقض دیده می‌شود و این تناقض تا حد زیادی بر بلاغت سخن شاعر افزوده می‌شود.

سعدی یوسف شاعری وصف‌گرا است و از طبیعت برای بیان حالت روحی‌اش کمک می‌گیرد و از حماسه به اسطوره می‌رسد.

لحن ابوالقاسم لاهوتهی در اشعار حماسی و وطنی خشن است در حالی که سعدی یوسف لحنش از صلابت به دور مانده است.

در مجموع هر دو شاعر اگر چه در بیان و عمل تفاوت دارند ولی در نگرش و عمل و ایستادگی و دعوت به مقاومت یک مسیر را طی می‌کنند. وقتی سایه ظلم بر اقلیمی بیفتد مردمان آن خواسته و ناخواسته علیه آن شرایط به وجود آمده به پا می‌خیزند تا آن را از میان بردارند، بنابراین یا پیروز می‌شوند و افتخار می‌آفرینند و یا در راه وطن شهید می‌شوند.

کتابنامه

قرآن کریم

آزند، یعقوب. ۱۳۸۴ش، **تجدید ادبی در دوره مشروطه**، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

تواناه، مراد علی. ۱۳۸۰ش، **زن در تاریخ معاصر ایران**، تهران: برگ زیتون.

سپانلو، محمد علی. ۱۳۶۹ش، **کهربا**، تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.

صابر عبید، محمد. ۲۰۰۱م، **القصيدة العربية الحديثة بين البنية الدلالية و البنية الايقاعية**، دمشق: اتحاد کتاب العرب.

صالح نافع، عبدالفتاح. ۱۹۸۵م، **عضوية الموسيقى فى النص الشعري**، الزرقاء: مكتبة المنار.

الصمادی، امتنان عثمان محمد. ۲۰۰۱م، **شعر سعدی یوسف: دراسة تحليلية**، بیروت: المؤسسة العربية للنشر والتوزيع.

کراچی، روح انگیز. ۱۳۷۴ش، **اندیشه نگاران زن در شعر مشروطه**، تهران: دانشگاه الزهراء.

کوهن، جان. ۱۹۸۶م، **بنية اللغة الشعرية**، ترجمه محمد الوالی و محمد العمري، دار توبقال للنشر الدار البيضاء.

لاهوئی، ابوالقاسم. ۱۳۵۸ش، **دیوان ابوالقاسم لاهوتی**، به کوشش احمد بشیری، تهران: امیرکبیر.

لاهوئی، ابوالقاسم. ۱۳۷۴ش، **دیوان ابوالقاسم لاهوتی**، مسکو: اداره نشریات به زبان های خارجی.

هگل، فردریک. ۱۹۷۸م، **فكرة الجمال**، ترجمه جورج طرابیشی، بیروت: دار الطبیعه.

یوسف، سعدی. ۱۹۸۸م، **دیوان**، ط ۱، بیروت: دار العوده.

یوسف، سعدی. ۲۰۰۸م، **دیوان**، ط ۲، بیروت: دار العوده.

مقالات

حاتمی، صفایی قهفرح و پروانه سعید. ۱۳۹۱ش، «مقام زن در شعر ابوالقاسم لاهوتی - ایرج میرزا - عارف قزوینی»، فصلنامه علمی - پژوهشی زن و فرهنگ، سال سوم، شماره دوازدهم، صص ۸۰-۶۵.

حسینی آباریکی، سید آرمان و پروین حیدری. ۱۳۹۳ش، «بازتاب مفاهیم سیاسی و اجتماعی در اشعار ابوالقاسم»، فصلنامه پژوهش های ادبی و بلاغی، سال دوم، شماره ۷، صص ۸۰-۵۸.

سلیمی، علی و رضا کیانی. ۱۳۹۱ش، «رنگ میان رمانتیک و واقع گرایی»، بررسی شعر سهراب سپهری و سعدی یوسف، مجله الجمعية الإيرانية للغة العربية وآدابها، شماره ۲۳.

صدری نیا، باقر. ۱۳۷۵ش، «مفهوم ملیت در شعر ابوالقاسم لاهوتی»، ایران شناخت، شماره ۲،

صص ۲۱۷-۱۸۵.

فرهانی، می. ۱۳۹۰ش، «بررسی زندگی و مضامین اشعار سعدی یوسف»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی.

المرشدی، سعدعلی. ۱۳۹۴ش، «تجلیات الواقع السياسي فی شعر سعدی یوسف»، مجله دانشکده ادبیات.

Bibliography

Holy Quran.

Agand, Jaghub. 2005, *Literary Renewal in the Constitutional Period*, Tehran: Institute for Research and Development of Humanities.

Tavana, Murad Ali. 2001, *Woman in Contemporary Iranian History*, Tehran: Barge Zeitun.

Spanloo, Mohammad Ali 1990, *Kahroba*, Tehran: Negah Publishing Institute.

Saber Abid, Mohammad 2001, *Al-Qasydah al-Arabiya al-Hadith Bain al-Baniyya al-Dalaliyyah and al-Baniyya al-Eiqa'iyya*, Damascus: Ettihad Ketab al-Arab.

Saleh Nafee, Abdul Fateh 1985, *Member of Music in Poetic Text*, Al-Zarqa: Al-Manar School.

Al-Samadi, Amtanan Osman Mohammad. 2001, poetry by Saadi Yousef; Analytical course, Beirut: Arabic Institution of Publishing and Distribution.

Karachi, Rouh Angiz. 1995, *Women Thinkers in Constitutional Poetry*, Tehran: Al-Zahra University.

Cohen, John. 1986 AD, *the basis of poetic language*, translated by Mohammad Al-Wali and Mohammad Al-Omari, Dar Tobqal Lelnashr Al-Dar Al-Biza.

Lahouti, Abolghasem 1979, *Divan of Abolghasem Lahouti*, by Ahmad Bashiri, Tehran: Amirkabir.

Lahouti, Abolghasem 1995, *Divan of Abolghasem Lahouti*, Moscow: Publications Office in Foreign Languages.

Hegel, Frederick. 1978, *Fikrat al-Jamal*, translated by George Tarabishi, Beirut: Dar al-Tabi'ah.

Yousef, Saadi 1988, *Diwan*, 1, Beirut: Dar Al-Ouda.

Yousef, Saadi 2008, *Diwan*, 2, Beirut: Dar Al-Ouda.

Articles

Hatami, Safaei Qahfarah and Parvaneh Saeed. 2012, "The position of women in the poetry of Abolghasem Lahouti- Iraj Mirza- Aref Qazvini", *Scientific-Research Quarterly of Women and Culture*, Third Year, Twelfth Issue, pp. 80-65.

Hosseini Abbariki, Seyed Arman and Parvin Heidari. 2014, "Reflection of political and social concepts in the poems of Abolghasem", *Quarterly Journal of Literary and Rhetorical Research*, Second Year, No. 7, pp. 80-58.

Salimi, Ali and Reza Kiani. 2012, "The color between romanticism and realism", a review of the poetry of Sohrab Sepehri and Saadi Yousef, *Iranian Journal of Arabic Language and Etiquette*, No. 23.

Sadri Nia, Baqir. 1996, "The concept of nationality in the poetry of Abolghasem Lahouti",

Iran Shenakht, No. 2, pp. 217-185.

Farhani, Mi. 2011, "Study of the life and themes of Saadi Yousef's poems", Journal of the Faculty of Literature and Humanities, Islamic Azad University.

Al-Morshedi, Saad Ali 2015, "Manifestations of political realities in the poetry of Saadi Yousef", Journal of the Faculty of Literature.



A Comparative Study of Society and Its Reflection on the Political Thought of Saadi Yousef and Abolghasem Lahouti

Yahya Maroof

Professor, Faculty of Arabic Language and Literature, Razi University, Kermanshah

Fereshteh Jamshidi

Post Graduate, Arabic Language and Literature, Razi University, Kermanshah

Abstract

A comparative study of society and its reflection on the political thought of Saadi Yousef and Abolghasem Lahouti from a political and social perspective requires understanding the specific conditions of the society in which these two poets lived. Since the concept of freedom has taken a political color during the constitutional period, this concept appears in Lahouti's poetry as a revolt against oppression and support for the working class and the suffering, and in Saadi Yusuf's poetry as a struggle against empty and false promises. Saadi Yousef and Abolghasem Lahouti have used various literary techniques such as symbol, humor and contradiction, adaptation and guarantee to express the influential social situation in their poetry, for example, to indicate the existence of enemies and colonizers, symbols such as black, red, city and Villages, palms, rivers, etc. have been used, with the difference that in Lahouti poetry, the use of a symbol is more tangible. These two poets have also been able to use other mentioned techniques to have a good impact on the political and social situation of the people of their land and to fight against oppression, exploitation, imperialism, westernization and the invasion of Western foreign culture.

Keywords: olitics society literary techniques Lahouti Saadi Yousef.